

مقدمه

سمینار دو روزه «اخلاق صلح در اسلام» روزهای ۱۶ و ۱۷ اکتبر سال ۲۰۱۵ (مرکز و نیک مهر میلف) در انستیتوی الهیات و صلح^۱ در شهر هامبورگ آلمان برگزار شد. در این سمینار بین المللی پژوهشگران رشته های مختلف از جمله الهیات اسلامی، مطالعات فرهنگی، فلسفه، علوم سیاسی، و روابط بین الملل به بحث و تبادل نظر درباره مبانی ارزشی صلح و جنگ نزد اندیشمندان معاصر مسلمان پرداختند. سهیل هاشمی، دیرک آنزورگه^۲، سید حسن اسلامی، اولیور لیمن^۳، اودو اشتاینباخ^۴، رابرت گلیو^۵، و محمد مهدی مجاهدی از جمله شرکت کنندگان در این نشست علمی بودند.

با توجه به تحولات سیاسی در دهه های اخیر، برخی از مراکز دانشگاهی در آلمان بیش از پیش به مطالعه موضوعاتی از قبیل صلح، جنگ، و خشونت در اسلام می پردازند. «انستیتوی الهیات و صلح» که از سال ۱۹۷۸ درباره صلح و جنگ از دیدگاه الهیات مسیحی - کاتولیک تحقیق می کند، از سال ۲۰۱۴ یک پروژه پژوهشی با عنوان «اخلاق صلح در اسلام» شروع کرده است. انستیتوی الهیات و صلح محصول شرایط اروپا و مخصوصاً آلمان در نیمه دوم قرن بیستم و بعد از جنگ جهانی دوم است که نوعی گذر از گفتمان «جنگ مشروع»^۶ به «اخلاق صلح»^۷ را تجربه کرد. در اروپا و سنت مسیحی، تئوری «جنگ مشروع» نظریه غالب در حوزه اخلاق بوده است که ریشه در اندیشه های اندیشمندان کلاسیک مسیحی از جمله آگوستین و توماس آکوئیناس و همینطور اندیشه پیشلمسیحی اروپا مخصوصاً اندیشمندان رمی از جمله سیرو دارد. تمرکز اصلی نظریه جنگ مشروع بر شرایط و پیش شرطهای جنگ مشروع بود. بر اساس این نظریه کلاسیک، یک جنگ برای اینکه مشروع باشد باید علت مشروع، مرجع مشروع، قصد (جنگجو) مشروع و همینطور ابزار/روشهای مشروع داشته باشد. در قرن بیستم به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم در اندیشه مسیحی آلمانی تلاش شده است که در این نظریه بازنگری شود. «اخلاق صلح» یکی از اصطلاحاتی است که گاه به عنوان جایگزین تئوری «جنگ مشروع» معرفی می شود. در «اخلاق صلح» بیش از آنکه در خصوص شرایط جنگ مشروع از جمله «علت»، «مرجع»، «قصد»، و «ابزار» مشروع در یک جنگ بحث شود بر تبیین علل ریشه ای جنگ از جمله سیستم سیاسی-اقتصادی ناعادلانه و روشهای پیش گیری از جنگ تاکید می شود. یکی از مفاهیم کلیدی در اخلاق صلح مبارزه «ساختاری» با خشونت و از بین بردن علل ریشه ای پیدایش جنگ و خشونت است.

با توجه به اینکه یکی از شرایط ایجاد و حفظ صلح پایدار امکان همزیستی مسالمت آمیز گروههای فرهنگی و دینی مختلف است، این مرکز پژوهشی در صدد آشنایی بیشتری با مبانی نظری صلح در فرهنگ معاصر اسلامی است. تمرکز این طرح پژوهشی بر روش شناسی و ساختار استدلال اندیشمندان معاصر مسلمان در خصوص جنگ و صلح است. به عبارت دیگر، بیش از آنکه صرف مواضع و دیدگاههای اندیشمندان معاصر مورد توجه باشد، شیوه و منابع استدلال آنها برای این مواضع مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. به عنوان مثال، یکی از سوالهای طرح پژوهشی آن است که متن (قرآن و حدیث) و عقل چه نقشی در استدلالهای اندیشمندان معاصر مسلمان در خصوص موضوعات صلح و جنگ دارند و این اندیشمندان چه سازو کاری برای بحث درباره مسائل مستحدثه مربوطه، مثلاً روابط بین الملل جدید و یا استفاده از رباتهای جنگی، به کار می گیرند. طرح پژوهشی «اخلاق صلح در اسلام» با تحقیق بر روش شناسی و زبان علمی اسلام معاصر در خصوص صلح و جنگ امکان گفتگوی سازنده بین اندیشه اسلامی با سایر حوزه های فکری را فراهم می سازد. این گفتگوبه نوبه خود در خدمت هدف صلح پایدار جهانی است.

در چارچوب همین پروژه پژوهشی، سمینار دو روزه اخلاق صلح در اسلام در روزهای ۱۶ و ۱۷ اکتبر سال ۲۰۱۵ در محل این انستیتو

1 Institut für Theologie und Frieden, ithf.
2 Dirk Ansorge
3 Oliver Leaman
4 Udo Steinbach
5 Robert Gleave
6 Just war theory/Gerechte Krieg
7 Peace ethics/Friedensethik

فروع در گفت‌وگوهای خشن مدرن» سارا البیاری از دانشگاه اگزتر بریتانیا نشان داد که چگونه گروه‌های بنیادگرای جهادی اعم از شیعه و سنی برای توجیه و تشریح رفتارهای جنگی از جمله استفاده از بمب‌های از راه دور به منابع فقهی کلاسیک استناد می‌کنند.

بیش - الهیاتی کردن پدیده‌های اجتماعی - سیاسی و تحقیق درباره اخلاق صلح در اسلام به مثابه خشونت معرفت‌شناختی

یکی دیگر از موضوعات روش‌شناختی که مورد بحث قرار گرفت سوال از درستی و نادرستی طرح سوال «اسلام و خشونت» بود. سیبیله راینکه دی بویتراکه^{۱۳} در مقاله «چگونه می‌توان درباره اخلاق صلح اسلامی سخن گفت؟ ملاحظاتی مفهومی درباره امرارزشی» نسبت به سوء فهم‌های ناشی از طرح سوال از رابطه خشونت و اسلام سخن گفت. حیدر شادی با گوشزد کردن خطر «بیش-الهیاتی کردن مشکلات سیاسی - اجتماعی» در تحقیقات مربوط به دین و خشونت گفت صرف طرح چنین سوالی نوعی رابطه بین اسلام و خشونت را القاء می‌کند و این کار ممکن است نوعی بازتولید خشونت از طریق بدنام کردن اسلام و مسلمانان و دیگری سازی و در نتیجه نقض غرض باشد. یعنی به جای اینکه در صدد تقلیل خشونت از طریق مطالعه اخلاق صلح در اسلام باشد با نوعی خشونت معرفت‌شناختی^{۱۴} خشونت را بازتولید می‌کند و با عمیقتر کردن شکاف غرب و اسلام به خشونت بیشتر دامن می‌زند. از سوی دیگر طرح سوال از رابطه اسلام و خشونت و الهیاتی جلوه دادن مشکل، افکار عمومی را از علل دیگر خشونت‌های جاری، از جمله سیاست‌های قدرتهای سیاسی بزرگ، منحرف کند. حیدر شادی با توجه به این واقعیت، مثلاً، که ادیان در دوره‌های تاریخی متفاوت، تظاهرات متفاوت خشن و صلح‌آمیزی داشته‌اند، مثلاً جهان اسلامی که امروز قرین خشونت است در قرون ۱۶ و ۱۷ پناهگاه یهودیان سفاردی بود که به خاطر تعقیب و عدم تحمل اسپانیای مسیحی به امپراطوری عثمانی پناه آوردند، در الهیاتی بودن این پدیده‌ها تردید کرد و خطر «بیش - الهیاتی سازی پدیده‌های سیاسی - اجتماعی» را خاطرنشان کرد. وی توضیح داد که شاید اکنون نظم جهانی و اعمال خشونت ساختاری از طرف «مرکز» باعث عکس‌العمل خشونت‌آمیز «پیرامون» می‌شود. در این موقعیت که پیرامون مقاومت می‌کند ممکن است خشونت لازمه مقاومت را با توسل به منابع فرهنگی مختلف خود از جمله دین توجیه کند ولی این توجیه بیش از آنکه رابطه علی با آن منبع داشته باشد یک «امکان» است. همانطور که جوامع اسلامی در نیمه قرن بیستم بیشتر با توسل به هویت ملی و ناسیونالیسم مقاومت خود را توجیه و تبیین کردند.

آقای محمد مهدی مجاهدی از دانشگاه آزاد برلین در مقاله «توجیه‌های دین محور صلح و خشونت: نقدی پسا سکولار بر رویکردهای فرهنگ محور» رویکرد فرهنگی، از جمله الهیاتی، به خشونت را مورد نقد قرار داد و بر این اساس تلقی گفت‌وگو پسااسلام‌گرایی را که تلاش می‌کند با ارائه قرائتی صلح‌آمیز از دین تظاهرات خشن دین را حذف کند نادرست دانست. آقای مجاهدی با استفاده از تئوری پسا سکولاریسم و به چالش کشیدن دوگانه‌هایی مثل دینی - سکولار، شخصی - عمومی، دینی - سیاسی نگاه پسااسلام‌گرایانه به خشونت را نقد کرد و به جای آن باز-سیاسی سازی خشونت را برای تبیین و حل آن پیشنهاد کرد. برخی از شرکت‌کنندگان در سمینار این نگاه به مسئله اسلام و جنگ را دارای نوعی نگاه مارکسیستی دانستند که فرهنگ را به امور اقتصادی و اجتماعی تقلیل می‌دهد. آقای چارلز رمزی ضمن نقد «بیش - الهیاتی سازی» در مطالعات صلح و دین از نوعی «کم - الهیاتی سازی» مباحث صلح و دین صحبت به میان آورد. آقای رمزی گفت در بسیاری از این نوع مطالعات، نوعی تمرکز بر جنبه‌های تاریخی و سیاسی مسئله را می‌توان مشاهده کرد که وی آن را کم توجهی به الهیات و تقلیل الهیات به سیاست و اجتماع تفسیر کرد. از سوی دیگر دیرک آنزورگه با مقاله «آیا ذات‌گرایانه است اگر بگوییم یک دین بیش از دینی دیگر موجب خشونت می‌شود؟» امکان صحبت از الهیاتی‌های مختلف خشونت و امکان سخن گفتن از اینکه یک دین بیشتر از دینی دیگر موجب خشونت می‌شود، را موجه دانست.

لزوم رویکرد فلسفی و روانشناختی به موضوع

از دیگر نکات روش‌شناختی و تئوریک مطروحه در سمینار، لزوم اخذ رویکردهای فلسفی، روانشناختی، تطبیقی، و فرهنگ‌شناسانه در مطالعات رابطه دین و خشونت/صلح است. حیدر شادی با اشاره به اینکه انسان گویا همیشه آرزوی صلح را داشته و در عین حال تاریخ بشری همیشه آغشته به خشونت بوده است تأمل در جنبه‌های «وجودشناختی» و انسانشناختی خشونت را مهم دانست و گفت حضور تقریباً دائمی خشونت و صرفاً تغییر جغرافیای آن در دوره‌های تاریخی مختلف، طرح این سوال را مشروع می‌کند که خشونت چه نوعی از «وجود» دارد؟ آیا همیشه منفی است؟ آیا امکان حذف آن وجود دارد؟ اگر «وجود» خشونت منطبق خاص خود را دارد شاید رابطه خشونت و اسلام در این برهه

publication: 1941).

13 Sybille Reinke de Buitrago

14 Epistemological violence

تاریخی صرفاً همزمانی باشد تا علیت و مطالعات الهیاتی و ارزشی در این موضوعات پراختن به شاخ و برگ و غفلت از ریشه های این پدیده ها باشد.

اولیور لیمن، استاد فلسفه از دانشگاه کنتاکی آمریکا در مقاله خود تحت عنوان «فلسفه اخلاق و بحثهای معاصر اسلامی درباره صلح و خشونت» با اشاره به دو مکتب وظیفه گرایی و پیامد گرایی در فلسفه اخلاق اظهار داشت که در اندیشه اسلامی معاصر می توان این دو رویکرد را شناسایی کرد. به نظر لیمن گروههایی که با استناد به آیه یا حدیثی خاص پیگیری یک هدف سیاسی را و لو با روشهای رادیکال مشروع می دانند در واقع مشابه مطلق گرایان اخلاقی عمل می کنند. گروههای بنیادگرا و جهادی در واقع دارای نوعی رویکرد وظیفه گرایانه دانست که به متن (اصل-وظیفه) مستقل از پیامد آن مقید هستند. و در مقابل، به نظر لیمن، گروههای اسلامی که آیات و احادیث را مبتنی بر هدف و زمینه تفسیر و تاویل می کنند و برای رسیدن به اهداف مشروع سیاسی خشونت را تجویز نمی کنند در واقع رویکرد پیامد گرایانه دارند که به شکل مطلق پایبند نیستند و آن را متناسب با پیامدها جرح و تعدیل می کنند. از دیدگاه اولیور لیمن، هنر ادیان از جمله اسلام در ایجاد بالانس بین وظیفه گرایی و پیامد گرایی است. به نظر وی، در اسلام حدیث و سیره بیشترین استعداد برای ایجاد این بالانس را دارد. برخی از شرکت کنندگان رویکرد حاکم در گفتمان حدیثی و سیره را به اخلاق فضیلت نزدیکتر دانستند که شخصیت و گفتار و رفتار پیامبر به مثابه حامل فضایل الگو تلقی می شود.

در بخش مطالعات موردی آقای سهیل هاشمی با مروری بر ظهور جریانهای جهادی معاصر به نظم جهانی از منظر این گروهها و از جمله اولویت آنها در جنگ با دشمن دور (غرب) و یا دشمن نزدیک (حکومتهاى منطقه به عنوان شرکای غرب) پرداخت. هاشمی تبیین کرد که چگونه اولویت نسل اول بنیادگرایان از جمله سید قطب بر جنگ با حکومتهاى منطقه (مثلا جمال عبدالناصر و یا سادات) در نسل دوم بنیادگرایان، مشخصاً القاعده، به جنگ با دشمن دور تغییر کرد. در فاز جدیدتر بنیادگرایی نظامی (داعش) باز نوعی اولویت دشمن نزدیک را می توان دید اگر چه داعش دشمن دور را هم تهدید می کند ولی بیشتر به خاطر دخالت آنها در امور آنهاست. آقای رابرت گلیو از دانشگاه آگرتز انگلستان در مقاله «خشونت با توسل به الگو: مطالعه تطبیقی استفاده گفتمانهای شیعی و سلفی از سیره در توجیه خشونت» اظهار داشت که در استدلالهای معاصر برای توجیه خشونت روش شناسی فقه کلاسیک در استفاده از سنت نادیده گرفته شده است. وی همینطور بر وجود نوعی عقلانیت در روش شناسی گفتمانهای شیعی در استفاده از سیره برای توجیه خشونت و فقدان آن در گفتمانهای سلفی اشاره کرد. وی بیان داشت که در فقه سنی اصلاً «خشونت» مفهوم پردازی نشده است در حالیکه در فقه شیعه مثلاً حرمت «سفک الدماء» نوعی از آگاهی نسبت به خشونت را نشان می دهد. آقای گلیو بدین نکته اشاره کرد که بر خلاف اهل تسنن فقهای اصولی شیعه، از جمله میرزای قمی، عقل را به عنوان منبع مستقل در رسیدن به حکم شرعی می دانند. برخی از شرکت کنندگان اضافه کردند که عقل گرایی در نزد اهل سنت هم نمایندگانی داشته است، از جمله فخر رازی، ولی در قرن بیستم گرایش حنبلی و ظاهری قوت پیدا کرده است. برخی دیگر نیز توجه به گفتمان «مقاصد» در اصول الفقه اهل سنت را در مطالعات مربوط به عقلگرایی در سنت اسلامی را یادآور شدند.

ناجیا مختار از مرکز مطالعات آسیا، آفریقا و خاور میانه (سواس)^{۲۳} در دانشگاه لندن در مقاله «دیدگاههایی درباره شهروندی و خشونت علیه تفاوت دینی در پاکستان معاصر» به استدلال گروههای بنیادگرا برای خارج کردن دیگری های دینی از جمله مسیحیان و شیعه ها از حقوق شهروندی و پاسخ گروههای اصلاح طلب به این استدلال پرداخت. وی نشان داد که چگونه دو اندیشمند دینی معاصر در پاکستان «جواد احمد غامدی»، با گرایشهای اصلاح گرایانه و متعلق به مکتب امین احسن اصلاحی و حمیدالدین فراهی، و «ظاهر قادری»، استاد حقوق اساسی و دارای گرایشهای متصوفانه، با روشها و استدلالهای متفاوت گروههای خشن را از حقوق شهروندی خارج می کنند. این حذف در واقع به شکلی دیگر همان خشونت گروههای جهادی را در خارج کردن غیر مسلمانان از حقوق شهروندی تکرار می کند.

در مقاله ای با عنوان «دروغ در جنگ: توجیه های مختلف اخلاقی» سید حسن اسلامی از دانشگاه ادیان و مذاهب قم به دیدگاههای مختلف در خصوص دروغ در جنگ از دیدگاه علمای شیعه پرداخت. وی بعد از اشاره به استدلالهای مختلف در توجیه دروغ در جنگ از جمله حکم الهی، ضرورت و شر اقلی، و تمییز بین حیله و دروغ به استدلالی دیگر اشاره کرد. وی با بیان اینکه اطلاق دروغ به یک گفتار مشروط به «فرض راستگویی طرف مقابل» است، بیان امر غیرواقعی در جنگ را خارج از حکم دروغ دانست. با توجه به اینکه در جنگ هیچ کدام از طرفین انتظار راستگویی طرف مقابل را ندارد، وی استدلال کرد که دروغ در جنگ دروغ مصطلح نیست. برخی از شرکت کنندگان ضمن اشاره به برخی موردهای اخیر این موضوع از جمله مذاکرات اتمی ایران، تفاوت یا عدم تفاوت حکم دروغ در جنگهای مختلف مثلاً جنگ سرد یا گرم سوال

کردند. برخی دیگر از شرکت کنندگان هم اظهار داشتند که نگاه پیامدگرایانه به مسئله در استدلال «ضرورت و شرافلی» این مسئله را هم باید لحاظ کند که پیامدهای دروغ صرفاً نقض موقت یک اصل اخلاقی نیست بلکه بر هویت اخلاقی فرد و همینطور اصل بنیادین اعتماد در روابط هم تاثیر می گذارد.

عبدالصمد بلحاج از دانشگاه کاتولیک لیون بلژیک در مقاله «جودت سعید و فلسفه صلح» دیدگاههای عدم خشونت جودت سعید، فعال و اندشمند سوریه ای و طرفدار روشهای بدون خشونت در مقابله با خشونت، را معرفی کرد. وی با توصیف جودت سعید و تلاشهای او برای صلح و عدم خشونت به «صلح از پایین»، بدین نکته اشاره کرد که صلح در گفتمانهای اسلامی امری حاشیه ای است و در گفتمانهای مرکزی اسلام که با فقه و الهیات نمایندگی می شوند صلح چندان جایگاهی ندارد. چنانکه جودت سعید خود فقیه یا متکلم نیست بلکه بیشتر یک مومن فعال با الهام از سنت تصوف است. جودت سعید که در الازهر تحصیل کرد و متاثر از اندیشمندانی همچون مالک بن نبی (۱۹۰۵-۱۹۷۳)، الجزایر) و محمد اقبال بود بعد از فارغ التحصیلی در روستای محل تولدش در منطقه جولان سوریه به معلمی و کشاورزی پرداخت. وی که منتقد بنیادگرایی-مشخصاً دیدگاههای سید قطب- بود و همینطور به خاطر مخالفت با جنبش بعث به زندان افتاد، معتقد است روشنفکران کلاسیک مسلمان از جمله متالهان و فقهاء قدرت مشارکت در صلح را ندارند. وی با نوعی اجتناب آگاهانه از نخبه گرایی درصدد ایفای سهمی در گسترش صلح در جوامع اسلامی است. جودت سعید با این تعبیر که «فقه اسلامی بر ضد اسلام است» بر اولویت «علم آفاق و انفس» یا تأمل در سنن الهی بر فقه و دین معتقد است. در فقه قصاص مشروع است ولی «هابیل» از این حق چشم پوشی می کند. هابیل در مقابل تهدید قابیل گفت که من به سوی تو دست بلند نخواهم کرد (آیه ۲۷ سوره مائده). سعید این رفتار هابیل را سمبل رویکردی بدون خشونت به زندگی و مبارزه می داند. برخی از شرکت کنندگان اینکه جودت سعید را بتوان در چارچوب اسلامی ارزیابی کرد اظهار تردید کردند. به عبارتی دیگر، جودت سعید بیش از آنکه اسلام را تفسیر کند، صلح را که یک اصل مطلق برای اوست بر اسلام تحمیل می کند. برخی از شرکت کنندگان به شخصیتهای مسلمان دیگر مشهور به «عدم خشونت» از جمله عبدالغفار خان (۱۸۹۰-۱۹۸۸)، هم‌رزم پشتون گاندی در مبارزه عاری از خشونت با استعمار هند و کتاب «اللاعنف فی الاسلام» محمد شیرازی، عالم شیعی، اشاره کردند.

یحیی صباغچی از دانشگاه شریف تهران در مقاله «بازنگری قرآنی در جهاد ابتدائی با تأکید بر دیدگاههای آیت الله خوئی» ضمن معرفی برخی دیدگاههای آیت الله خوئی در باب جهاد ابتدائی، این دیدگاهها را بر اساس اصول الاهیاتی در قرآن نقد کرد. وی تأکید کرد که هرگونه استدلال فقهی باید مبتنی بر یک تصویر جامع از قرآن و دین باشفهم دقیق دستورهای قرآنی را منوط به ملاحظه □ چارچوبهای نظری مرتبط در قرآن دانست که احکام فقهی باید در محدود □ این چارچوبها بگنجد. در بحث جهاد، به چارچوبهایی مرتبط و متخذ از قرآن اشاره کرد که عبارت بودند از: فقدان اجبار در دین، محدود بودن تکلیف پیامبر به ابلاغ، تأکید بر تعقل و اجتناب از تقلید و پیروی کورکورانه، کرامت انسان، و اصالت طلوع ملاحظ □ این اصول، وی بیان کرد که جهاد ابتدایی از محدود □ این چارچوبها تجاوز می کند چرا که بعضاً همراه با اجبار در دین است و وظیفه ای فراتر از خواست قرآن را برای پیامبر (ص) مقرر می دارد و با کرامت انسانی که حق حیات را برای کفار هم معمول می دارد، در تعارض است. لذا معنای آیات جهاد در قرآن، ابتداء به جنگ نیست و این آیات صرفاً ناظر به دفاع هستند.

در مقاله «چارچوبهای رحمت: جواد احمد غامدی (متولد ۱۹۵۲) و محدودیتهای سنت در توجیه خشونت» چارلز رمزی* از کالج مسیحی فورمان^{۱۶} لاهور پاکستان، به تشریح قرائت صلح آمیز جواد احمد غامدی، اندیشمند اصلاح گرای پاکستانی، از اسلام پرداخت. غامدی با قرائتی موسوع و در عین حال مضیق از سنت، که سنن ابراهیمی قبل از اسلام را هم شامل می شود- ولی با این حال هر حدیثی را هم جزو سنت به حساب نمی آورد- تلاش می کند قرائتهای خشن از اسلام را نامشروع بداند. برخی از شرکت کنندگان در خصوص رابطه غامدی با سایر اندیشمندان مدرن و معاصر شبه قاره هند از جمله سر سید احمد خان، ابوکلام آزاد و اصلاحی نکاتی را بیان کردند.

بیانکا اسپایدل^{۱۷} از دانشگاه اگزتر انگلستان در مقاله «گفتمان قدرت در کتاب منطق قدرت در اسلام محمد حسین فضل الله» به صنایع فصاحتی-بلاغتی در دیدگاههای محمد حسین فضل الله، مرجع شیعی لبنانی در گذشته، پرداخت. وی به مدلهای استدلال وی برای استفاده از قدرت از جمله ضرورت، فضیلت، و ابزار اشاره کرد. روایتهای کربلا و غیبت امام زمان را خاتم اسپایدل از دیگر ابزارهای بلاغی گفتمان قدرت فضل الله معرفی کرد.

16 Charles Ramsey
17 Forman Christian College
18 Bianka Speidl

اسفا ویدیانتو^{۱۹} از انستیتوی مطالعات اسلامی سالاتیا^{۲۰} اندونزی در مقاله «خشونت در ادبیات اسلامگرای اندونزی معاصر: حبیب رزق شهاب و امر به معروف و نهی از منکر» به استدلال حبیب رزق شهاب برای لزوم مبارزه خشونت آمیز با مظاهر غیر دینی و غیر اسلامی با توسل به مفهوم امر به معروف و نهی از منکر پراخت. برخی از شرکت کنندگان در خصوص رابطه اصل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام با اصل مشابه در مسیحیت سوال کردند. در این خصوص به کتاب مایکل کوک با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» اشاره شد که به این موضوع پرداخته و نتیجه گیری کرده است که اصل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از گفتمان مسیحی این اصل متأثر نبوده ولی قرائت توماس آکویناس از مفهومی مشابه را متأثر از اسلام دانسته است.^{۲۱}

توران کایاوغلو^{۲۲} از دانشگاه واشینگتن تاکوما^{۲۳}، آمریکا در مقاله «ساخت یک چارچوب اسلامی برای جنگ و صلح در سیاست بین الملل: نقش سازمان همکاری اسلامی» به دیدگاههای لحاظ شده در بیانیه های سازمان همکاری اسلامی در خصوص جنگ و صلح پرداخت. کایاوغلو با مرور بیانیه های این سازمان از بدو تاسیس آن در سال ۱۹۷۰ تا کنون بیان داشت که این سازمان به ندرت از «جهاد» استفاده کرده است و بیشتر رویکردی سکولار به مسئله داشته و بیانیه هایش در چارچوب روابط بین الملل و توافقیهای جهانی بوده است.

آخرین مقاله در بخش مطالعات موردی با عنوان «همکاری یا انقلاب؟ روایتهای اسلامی در روسیه معاصر» بود که در آن سیمونا مراتی^{۲۴} از دانشگاه بین المللی فلوریدا، آمریکا به جایگاه صلح و جنگ در بین جریانهای اسلامی مختلف در روسیه پرداخت. وی با اشاره به تفکیک اسلام سنتی و اسلام «وارداتی» در فضای عمومی روسیه گفت دولت روسیه از جریان اسلام سنتی در روسیه، که گرایش به تصوف در آن قوی است، به عنوان اسلام بومی و به مثابه جایگزینی برای اسلام سلفی و انقلابی-که وارداتی می نامد و در قفقاز شمالی قوی است و روسیه را به عنوان استعمارگر رد می کند- حمایت می نماید. وی با اشاره به روایتی کلان و ملی گرایانه در روسیه که ملت روس را منجی جهان تلقی می کند و مسیحیت ارتدکس روسی را نوعی نجات مسیحیت از قرائت اشتباه بیژانس از مسیحیت می داند، به نوعی گرایش به دادن وظیفه منجی گونه به روسیه در خصوص اسلام اشاره کرد. بر اساس این تلقی روسیه اکنون با ارائه قرائتی درست از اسلام بار دیگر در قامت منجی جهان و انسان انجام وظیفه خواهد کرد.

در جلسه پایانی، شرکت کنندگان ضمن ارزیابی سمینار پیشنهادات و انتقاداتی ارائه کردند. شرکت کنندگان توجه به ابعاد روش شناختی و تئوریک موضوع و همینطور تنوع در موضوعات ارائه شده-از دروغ در جنگ تا امر به معروف و نهی از منکر و موضع سازمان همکاری اسلامی- را از نقاط مثبت سمینار ارزیابی کردند. برخی دیگر از شرکت کنندگان نیز به دربرگیری گرایشهای مختلف از بنیادگرایی نظامی تا طرفداران عدم خشونت و همینطور طرح دیدگاههای نمایندگان مختلف سنی و شیعه از کشورهای مختلف اسلامی از اندونزی تا پاکستان، ایران، روسیه و سوریه و لبنان به عنوان نقطه قوت دیگر اشاره کردند. ایجاد گروه مطالعاتی و سایت اینترنتی «اخلاق صلح در اسلام»، برگزاری منظم سمینار در دوره زمانی خاص، برگزاری نشستهای تخصصی مثل اخلاق و تروریسم، و اخلاق تطبیقی صلح در ادیان مخصوصا اسلام و مسیحیت، و همینطور انتشار مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار برخی از محورهای پیشنهادی بود. یادآوری می شود که مقالات ارائه شده در سمینار در سال ۲۰۱۶ در قالب کتابی در مجموعه «مطالعات اخلاق صلح» موسسه الهیات و صلح با همکاری انتشاراتی نوموس آلمان منتشر خواهد شد.

.....
مقالات ارائه شده در سمینار

بخش روش شناسی و تئوری :

- «آیا ذاتگرایانه است اگر بگوییم یک دین بیش از دینی دیگر موجب خشونت می شود؟» (دیرک آنزورگه، مدرسه عالی فلسفه و الهیات، فرانکفورت).

19 Asfa Widiyanto

20 State Institute for Islamic Studies (IAIN), Salatiga.

21 Cook, Michael. *Commanding right and forbidding wrong in Islamic thought*. Cambridge University Press, 2004.pp. 569-579.

22 Turan Kayaoglu.

23 University of Washington I Tacoma.

24 Simona Merati.

- « نکات‌ی‌روش شناختی درباره اخلاق صلح اسلامی » و « حوزه های ارزشی در فرهنگ معرفتی اسلام و سوال از اخلاق صلح اسلامی » (حیدر شادی، مدرسه عالی فلسفه و الهیات، فرانکفورت).
- « چگونه می توان درباره اخلاق صلح اسلامی سخن گفت؟ ملاحظاتی مفهومی درباره امر ارزشی » (سبیلله راینکه دی بویتراگو، دانشگاه هامبورگ).
- « فلسفه اخلاق و بحثهای معاصر اسلامی درباره صلح و خشونت » (اولیور لیمن، دانشگاه کنتاکی آمریکا).
- « یافتن اخلاق صلح در شریعت » (سهیل هاشمی، کالج مونت هولیکو آمریکا).
- « توجیه های دین محور صلح و خشونت: نقدی پسا سکولار بر رویکردهای فرهنگ محور » (محمد مهدی مجاهدی، دانشگاه آزاد برلین).
- « در جستجوی مشروعیت: اصول و فروع در گفتمانهای خشن مدرن » (سارا البیاری، دانشگاه اگزتر بریتانیا).
- « خشونت با توسل به الگو: مطالعه تطبیقی استفاده گفتمانهای شیعی و سلفی از سیره در توجیه خشونت » (رابرت گلیو، دانشگاه اگزتر).

بخش موضوعات (اخلاق صلح در اندیشه معاصر اسلامی):

- « دشمن نزدیک، دشمن دور: جهان از دیدگاه القاعده و داعش » (سهیل هاشمی، کالج مونت هولیکو آمریکا).
 - « دیدگاههایی درباره شهروندی و خشونت علیه تفاوت دینی در پاکستان معاصر » (ناجیا مختار، سواس، دانشگاه لندن).
 - « دروغ در جنگ: توجیه های مختلف اخلاقی » (سید حسن اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم).
 - « جودت سعید و فلسفه صلح » (عبدالصمد بلحاج، دانشگاه کاتولیک لیون بلژیک).
 - « بازنگری قرآنی در جهاد ابتدائی با تأکید بر دیدگاههای آیت الله خوئی » (یحیی صباغچی، دانشگاه شریف، تهران).
 - « چارچوبهای رحمت: جواد احمد غامدی (متولد ۱۹۵۲) و محدودیتهای سنت در توجیه خشونت » (چارلز رمزی، کالج مسیحی فورمان، لاهور پاکستان).
 - « گفتمان قدرت در کتاب منطق قدرت در اسلام محمد حسین فضل الله » (بیانکا اسپايدل، دانشگاه اگزتر انگلستان).
 - « خشونت در ادبیات اسلامگرای اندونزی معاصر: حبیب رزق شهاب و امر به معروف و نهی از منکر » (اسفا ویدیانتو، انستیتوی مطالعات اسلامی، سالاتیا اندونزی).
 - « ساخت یک چارچوب اسلامی برای جنگ و صلح در سیاست بین الملل: نقش سازمان همکاری اسلامی » (توران کایاوغلو، واشینگتن تاکوما، آمریکا).
 - « همکاری یا انقلاب؟ روایت‌های اسلامی در روسیه معاصر » (سیمونا مراتی، دانشگاه بین المللی فلوریدا، آمریکا).
- ذیلا به برخی از موضوعات طرح شده درسمینار اشاره می شود.